



**ما نباید به ساز و آهنگ بیرونی ها که بوی اختلاف زبانی و
قومی از آن می آید گوش دهیم .**

سخن نخست

کاندید های واجد

شرایط

نمیدانم کلمه واجد شرایط چه معنی می دهد و چه معیارهایی را باید یک کاندید داشته باشد که واجد شرایط باشد .

در دنیای غرب و کشورهای توسعه یافته یکی از شرایطی که کاندیدها باید داشته باشد ، تحصیل و علم و دانش است ، اما در کشور ما متأسفانه فالبین هم واجد شرایط حساب میشود .

در قدم دوم فرد کاندید باید شرایط مناسبی داشته باشد ، یعنی اینکه علیل و ذلیل نباشد ، اما متأسفانه در کشور ما چند کاندید مشخص است که توانایی جسمی خوبی ندارند ، و حتی توان سفرهای خارجی و داخلی و انرژی خوبی برای ریاست جمهوری که توان فکری و جسمی باید داشته باشند ندارند .

طور مثال جناب اشرف غنی با عملیاتی که شده است ، از نظر جسمی باید ، کمیسیون صحتی نظر بدهد که آیا در طول پنج سال می تواند ، با انرژی کار کند و تحمل این همه فشار کار را دارد یا نه ؟

آنطور که ما شنیده ایم ایشان وضعیت صحتی خوبی ندارد و باید به کمیسیون صحتی معرفی شود تا در جریان ریاست جمهوری مجبور نشود ، مدت طولانی بستری باشد .

بهر صورت در کشورهای دیگر سابقه جرمی افراد در نظر گرفته می شود که نکند خدا ناخواسته کسی را کشته باشد و یا دوسیه جنایی داشته باشد ، اما در کشور ما کاش تعدادی یک نفر را می کشت ، حتی متهم به نسل کشی و کشتار دسته جمعی اند و یا کسانی که متهم به جنایات بشری اند از کاندیدی حمایت می کند .

اما از نظر ما موضوع تحصیلات عالی ، تخصص و مدیریت بحث عمده است که تا حالا نه در پارلمان در نظر گرفته شده است و نه در ریاست جمهوری و شرایط طوری است که یک نداف یا فالبین و یا کیسه مال هم می تواند خود را کاندید کند .

اگر مشکل تحصیل و تخصص و مدیریت در ریاست جمهوری ، پارلمان و شورای ولایتی در نظر گرفته شود ما می توانیم امیدوار باشیم که افراد تصمیم گیرنده این کشور صلاحیت این را دارند که راجع به مردم تصمیم گیرند و با درایت و مدیریت خوب این کشور را اداره کنند .

اما اگر این مسئله نادیده گرفته شود و فرد بی سواد بر کرسی ریاست جمهوری بنشیند مشکل ما چند برابر خواهد . اما اگر فرد باسواد و پروفیسوری رییس جمهور باشد و سابقه اختلاس و جرمی و یا مشکل صحتی داشته باشد ، کمیسیون در مورد ایشان نظر بدهد و دورنمای صحتی شان را باید طوری ارزیابی نماید که ما دچار فقدان رهبر نشویم و یا تمام مدت کاری ایشان در شفاخانه نگذرد و در این مدت فقط مشغول تداوی خود نباشد . اما در قسمت سوم سابقه جنایی و سابقه مریضی سادیسم نیز تصمیم اتخاذ شود تا یک سادیست نتواند دوباره دست به کشتار این ملت زند و راهی بیابیم که این ملت در زمان ریاست جمهوری استرس و تشویش امنیت نداشته باشد و مثل حفیظ الله امین مردم را جوخه جوخه به اعدامگاه نفرستد ...



نماینده تفکر
مارکسیستی

نماینده دموکراسی

نماینده تفکر ماکیاوولی

در هاشیه انتخابات جنگل و
کاندیدهای احتمالی ؟؟

نماینده تفکر دیکتاتوری

نماینده تفکر عقلائییت

نماینده اخلاص و
وفاداری

نماینده سلطنت

رهبر عالیقدر جنگل

فرار مغز ها ...؟!

سید مصطفی سادات

روی به کشورهای توسعه یافته می آورند و تحصیل و تخصص خود را در خدمت آنان قرار می دهند .

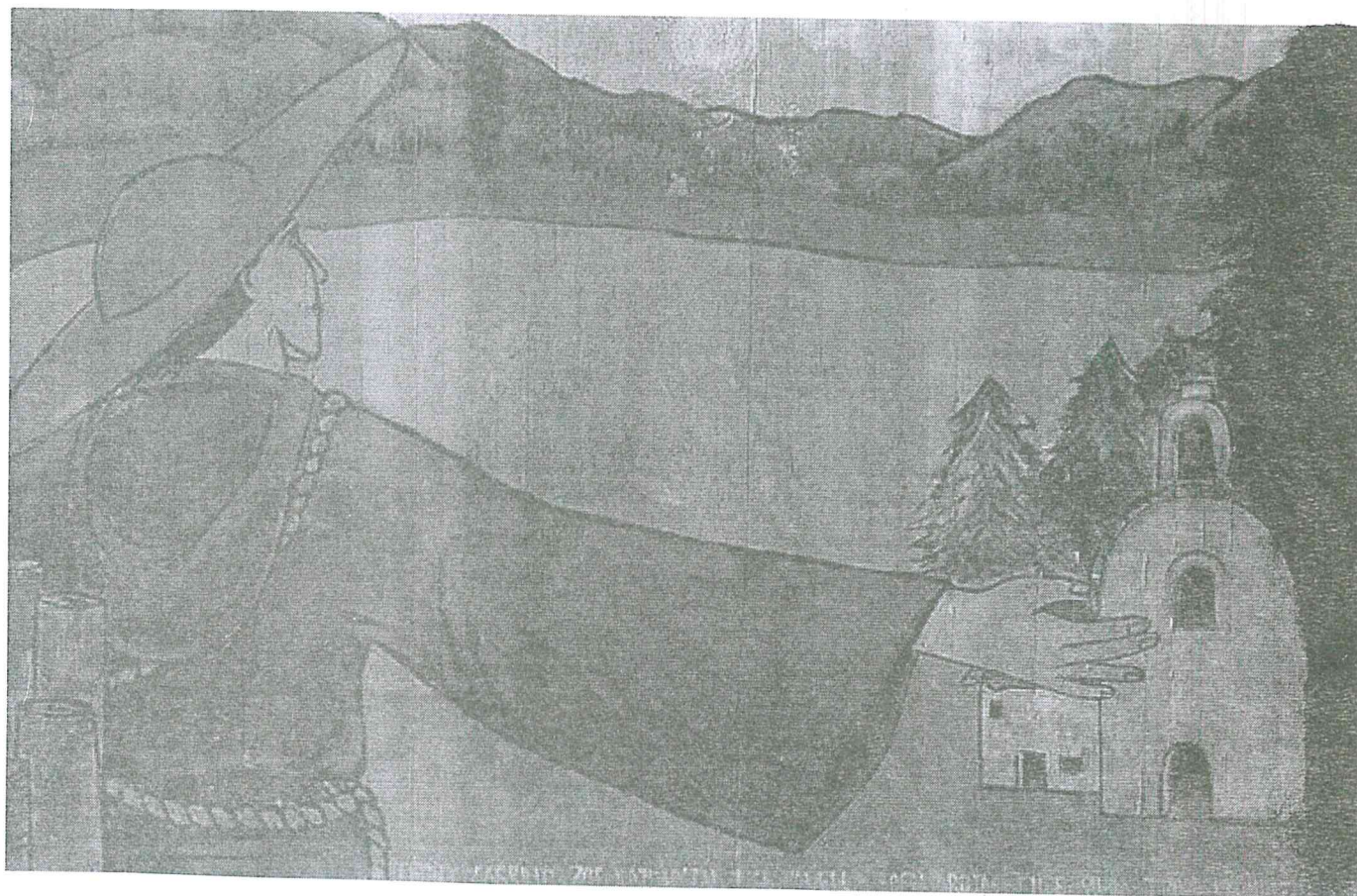
اما علت چیست ؟

علت بروز پدیده یی به نام فرار مغزها و اینکه چرا تحصیل کرده ها که محصولات خوب کشورهای فقیر اند چیست ؟

نمونه دیگر از انتقال فرهنگ پدیده فرار مغزهاست که در مواردی اندیشمندان و صاحبان اندیشه که با سرمایه کشورهای ضعیف در دانشگاه های کشورهای توسعه یافته آموزش دیده اند و بعد از فراغت از تحصیل به کشورهای خود باز نمی گردند .

همچنین ممکن است دانش آموختگان داخل کشور نیز برای اشتغال کار به کشورهای توسعه یافته روی آورند و دیگر برنگردند .

به این پدیده فرار مغزها گفته می شود و اگر بخواهیم ریشه های این پدیده را بیابیم که به نفع کشورهای توسعه یافته و ضرر کشورهای فقیر است می توانیم نتایج انتقال فرهنگ از طریق اعزام دانشجوی و یا استفاده از دانش



این بدین معنی است که این قدرت ها وقتی هیات حاکمه کشوری را در مسیر موافق با خود نبینند برای مبارزه با آن دولت نه تنها از فروش

برای یافتن پاسخ روشن به این موضوع باید به سه نکته توجه نمود .

نکته اول : ماهیت نظام درسی . اگر به خاطر آوریم که نظام درسی استعماری ، تحمیلی ، تقلیدی است و ریشه در عمق سنت و فرهنگ و ایمان و اعتقاد کشورها ندارد ، به همین دلیل است که ما نباید از فرار مغزها تعجب کنیم بلکه آنرا نتیجه طبیعی نظام بدانیم که نظام درسی تقلیدی مثل پیوند عضوی است که بدن گیرنده آن را دفع می کند و با آن جوش نمی خورد و مغزهایی که می گریزند مثل طوطی هستند که از هندوستان خود دور مانده اند و دل و هوای شان جای دیگر است و گریز این مغز ها به کشورهای استکباری و استعماری جهان در واقع رجوع آنان به اصل خود است به این ترتیب علت اصلی فرار مغزها همین تجانس و سنخیتی است که میان فرهنگ فراریان و فرهنگ جامعه یی که به آن فرار می کنند وجود دارد.

اما نکته دوم : این است که دراین میان استعمارگران نیز زمینه را برای جلب و جذب بهتر و هر چه بیشتر این نیروها فراهم می کنند . برای آنان چه چیزی بهتر از این است که با پول و نیروی مردم کشورهای مخروم و از خود آن مردم و به دست خود آنان متخصصان را تربیت کنند که بتوانند در خدمت کشورهای سلطه گر قرار گیرند . این است که کشورهای سلطه گر آغوش خود را به روی این فراریان می کشایند و برای مهاجرت آنان

فنی جامعه دیگر را برشمарیم .

اگر بخواهیم در یک جمله کوتاه این پدیده را تعریف نماییم می توانیم بگوییم که فرار مغزها به اشتغال افراد تحصیل کرده یک جامعه در جامعه دیگر و خدمت به آن جامعه منجر می شود .

آنطور که نظر سنجی نشان می دهد تعلیم و تربیه وابسته بیشتر موجب فرار مغز ها می گردد .

یکی از نشانه های تعلیم و تربیه استعماری پدیده یی اجتماعی است که اصطلاحا به فرارمغزها مرسوم است .

فرار مغزها به مهاجرت وسیع تحصیل کرده ها و متخصصان یک کشور به کشور دیگر گفته می شود و این پدیده مخصوصا در کشورهای عقب مانده و محروم شدت و وسعت دارد .

ظاهرا آنچه اتفاق می افتد تعجب انگیز است مردم محروم از گوشه و کنار مملکت زحمت می کشند و از دسترنج خود مالیات می پردازند تا دستگاه عریض و طویلی به نام تعلیم و تربیه به کار خود ادامه دهد .

البته امید مردم این است که فرزندان شان پس از سالها تعلیم و تربیه و پس از کسب مهارت های لازم در خدمت مردم خود باشند و به جامعه خود خدمت کنند و به رفع نیازمندی ها و درمان دردهای مردم بپردازند تا وابستگی آنها به بیگانگان کمتر شود .

اما این آرمان تحقق نمی پذیرد و میوه این باغ را دیگران می خورند و درست زمانی که تحصیلات عالی شان به پایان می رسد ، و از نیروی آنها درست استفاده شده نمی تواند

باشد ، این پرسش شاید نابجا به نظر بیاید و اگر تمایز میان بازنمایی و اعتقاد و اطلاعات را نادیده بگیریم و به شیوه های بسیار کلی اندیشه ها را فراورده ذهن یک انسان به شمار آوریم که ذهن یک انسان دیگری را تصاحب کند تصدیق می کنیم که اندیشه ها کاری جز سفر ندارند .

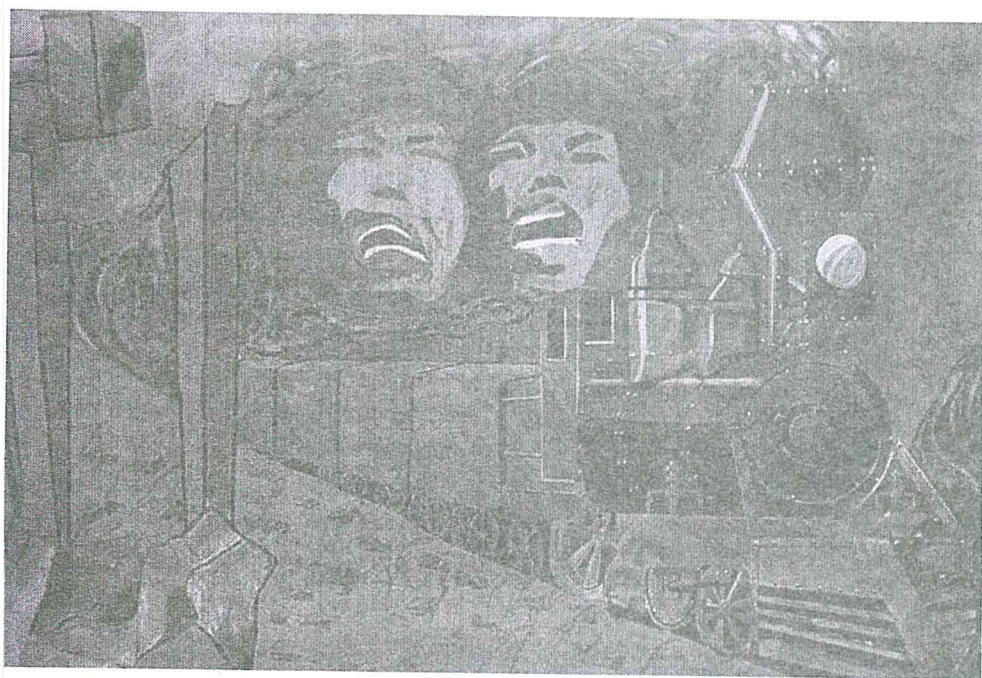
اینکه در کالیفورنیا پیروان بودا وجود دارد و یا در چین قصه های اقلیدوس را مطالعه می کنند و یا در استرالیا درخواست های یک جنبش سیاسی آمریکای لاتین را به بحث می گیرند هیچ یک مایه شگفتی نیست درست همان گونه که استفاده از تلویزیون های ساخت ژاپن با پوشیدن لباس پاکستانی در اروپا جای شگفتی ندارد ، امروز کوشش می شود که به مفهوم جهانی شدن که خود مفهومی در سفر است ، دگرگونی های اخیر را توصیف کنند ، یعنی هم گردش کالاهای مادی را تعیین کنند و هم گردش کالاهای غیر مادی دانش ها و الگوهای اندیشه و داوری ها را ، گرایش فلسفی و سیاسی امروز جهان غرب از توان گردش اندیشه ها تمجید می کند ، گردش که به نظر می رسد فن آوری آن را سهل و آسان کرده است و اما در هر حال پرسش در مورد چگونگی سفر اندیشه ها توجه چندانی را بر نمی انگیزد و چون گویا به این پرسش کاملا پاسخ داده شده است .

ما تاحدی فراموش می کنیم که اندیشه چیزی است ناپیدا که با رد پایش هویدا می شود و نمی تواند جهان را تغییر دهد ، مگر اینکه آنرا در نوردد ، بجز انتقال شفاهی مستقیم .

یک اندیشه که به ناگزیر موردی محدود است میان اندیشه و مغز آن کسی که این اندیشه را گاه در زمان و یا مکانی دو دریافت می کند موانع میانیجهایی وجود دارد .

اندیشه برای غلبه برزمان و مکان می بایست تداوم داشته باشد و حرکت کند می بایست در حافظه ذخیره شود و انتقال یابد .

البته اندیشه در طول این فرایند روی شبکه انترنت و در کرسی از ثانیه انجام می گیرد



چه همانند برخی از باور های دینی چند صد به طول انجامد ، علت های این تغییر را چنین می پندارند . تغییرهای حاصل ترجمه و تعریف های ناشی از وجود میانج غالبی که انتقال اندیشه در چهارچوب انجام می گیرد و عامل های همچون گم تلف شدن ، سانسور دستگاری و ... پیام حرکت تغییر می کند .

قطعات و اعزام کارشناسان برای تعمیر صنایع که خود به آن کشور فروخته است خودداری می کنند بلکه می کوشند که با انواع نیرنگها کارشناسان بومی را جذب کنند تا بر مشکلات کشورمخالف بیفزایند .

اندیشه ها چگونه مهاجرت می کنند :

شاید مطرح چنین پرسشی به دهها زبان ترجمه شود و در سراسر جهان خواننده داشته

فساد ، فحشا و سقط جنین

در ایران

فرستنده: خروس کاکل زری

با وجود اینکه گفته می شود در ایران حکومت اسلامی است و سخت گیری هایی وجود دارد ، اما سالانه میلیونها سی دی مبتذل از خانه ها گرفته می شود و مردم این سرزمین بخاطر مخالفت با دولت کار دل خود را می کنند و مسیری را که در زمان شاه سابق انتخاب کرده بودند ادامه می دهند . شاید در تمام کشورهای اسلامی به اندازه این کشور بی بند باری نباشد و سالانه هزاران دوسیه ناموسی بررسی نشود .

از همه جالب تر اینکه در صد طلاق در این کشور بیشتر از ۷۵ درصد است و حتی در دهات که ۳۰ سال قبل درصد طلاق حتی یک درصد نمی رسید حالا به بالاترین درصد رسیده است .

از همه مهمتر اینکه بسیاری از خانواده ها از ازدواج های موقت نگران اند و نمی خواهند ، شوهرانشان در کنار زن دایم ، با زن دیگری نیز رابطه داشته باشند و هزاران خانواده بعد از اینکه متوجه شده اند ، شوهرانشان در جای دیگری با زنی عقد موقت بسته است و اکثرا در خانه غیابت دارند طلاق گرفته اند .

تعداد زیاد از زنان ایرانی با خارجی ها ازدواج نموده است و ادغام دو فرهنگ نیز مشکلات زیادی برای خانواده های ایرانی به بار آورده است .

در سال های اول مهاجرت افغان ها، ایرانی ها تمایل چندانی به ازدواج افغان ها نداشتند ولی بعد از فتوای آیت الله منتظری مبنی براینکه دختران و زنان ایرانی می توانند شوهر مسلمان انتخاب کنند و فرقی نمی کند که عراقی و یا افغانی باشند و یا از کشوردیگر ...

این فتوا مشکل ازدواج بعد از جنگ عراق را حل کرد و تعداد زیادی از زنان و دختران برای خود شوهران عراقی و افغانی انتخاب کردند .

جنگ هشت ساله تعداد زیادی از جوانان را با خود برد ، و بحران ازدواج را پدید آورد و تعداد مردها در این کشور کم شد .

جالب تر اینکه تعداد زیادی از موارد وجود دارد که زنانی که شوهرانشان را در جنگ عراق از دست داده اند ، شوهرعراقی انتخاب کردند .

بهر صورت گرچه ازدواج های خارجی مشکلات خاص خود را داشت و اکثرا پایدار هم نبود ، ولی در ایران خانواده ها آهسته آهسته متوجه یک مسئله شدند که شوهران عراقی و افغانی نسبت به ایرانی ها کمتر مشکلات خانواده گی دارند و طلاق در بین آنها کمتر است .

اما بحث دیگر مشکل سقط جنین است که در ایران بیشتر از کشورهای اسلامی رواج دارد . ظاهرا مطابق احکام اسلام این حرکت قتل حساب می شود و دولت ایران آنرا ممنوع کرده است ، اما در سراسر ایران شفاخانه های خصوصی دست به عمل کورتاژ می زنند و بدون نگرانی کار خود را پیش می برند .

شیوه کار طوری است که دختر یا زن بار دار از یک لابراتوار سند می آورد که بار دار نیست و این کار در مقابل پول به راحتی انجام می گیرد .

یعنی اینکه راپور منفی را زن و یا دختر به شفاخانه خصوصی می برد و در آنجا از بیماری بطنی و زنانه شکایت می کند و در شفاخانه دوسیه بیماری دیگر برایش انداخته می شود و سپس عمل جراحی می شود و طفل بدون درد سر کشیده می شود و مریض بعد از یک دو روز رخصت می گردد .

نیز هزینه گزافی نیاز است و مشکلات آنها را دو برابر می نماید و آنها باید به هر شیوه و طریقه یی که هست باید مشکل خود را از طریقی حل سازد و به همین دلیل در لجن زار فحشا فرو می رود و مجبور است هزینه سنگین عملیات جراحی را بهر نوعی که است پیدا نماید ،

ازدواج در ایران اکثرا در سال های اول منجر به طلاق می شود و زنان شوهر کرده دیگر به مشکل می توانند شوهر خوب و مطابق میل خود پیدا کنند و به همین دلیل توسط باند های خطرناک جذب می شوند .

یکی از مشکلات که دختران و زنان ایرانی به آن مواجه اند ، اعتیاد است که چندین میلیون جوان زن و مرد دچار این آفت اجتماعی است .

جالب این است که دولت ایران با وجود اینکه طبل مبارزه مواد مخدر را به صدا در می آورد و برای کشورهای دیگر می خواهد درس مبارزه مواد مخدر دهند ، خود از عاملین پخش مواد مخدر و ترانزیت آن به خارج از کشور اند .

سالانه به صد ها تن مواد مخدر از طریق ایران به کشورهای ترکیه و اروپایی می رود و در هر روز صد ها تن مواد مخدر در بین جوانان این سرزمین پخش می شود .

جالب است در هر پارک و هر کوچه و سرک مواد فروشان حضور دارند و معتادین در خیابان ها آنقدر زیاد است که همه متوجه وضعیت آنها می شوند به جز دولت که می داند افراد توانا و سالم می تواند مشکلاتی را برای دولت پدید آورد .

جالب تر از همه اینکه شاید ۸۰ درصد معتادین افغانستانی را کسانی تشکیل دهند که در ایران زنده گی می کردند و در این کشور معتاد شده اند و صاحب کار هایشان برای اینکه آنها راز را نگهدارند ، آنها را نیز معتاد کرده اند تا جای پول فقط با یک گرم تریاک بتوانند از ایشان استفاده کنند .

در کشور ایران رقم بالایی از زنان ایرانی معتاد به مواد مخدر اند ، دوا های روان گردان ، کرستال و انواع مواد نشه آور استفاده می کنند و این زنان دیگر از خانواده خود نیز نیستند و بیشتر در بازار آزاد کار می کنند و با یک موبایل می توانند بدون آدرس مشخص کار کنند .

زمانی من مدیر روزنامه در آمل بودم و یک صفحه از نشریه مربوط به مسایل اجتماعی و گزارشات پلیس بود که هر روز گزارشات شان از طرف پلیس ولایات و منطقه برای ما فکس می شد و ما تمام رویداد های اجتماعی و مفاسد اخلاقی را به چاپ می رسانیدیم .

شاید روزانه ده ها هزار بشکه مشروبات الکلی در بین مردم توضیح می شد و دوکان های مسیر راه شمال خصوصا آمل همه مشروبات الکلی به گردشگران داخلی که برای سیاحت به مازندران می آمدند می فروختند .

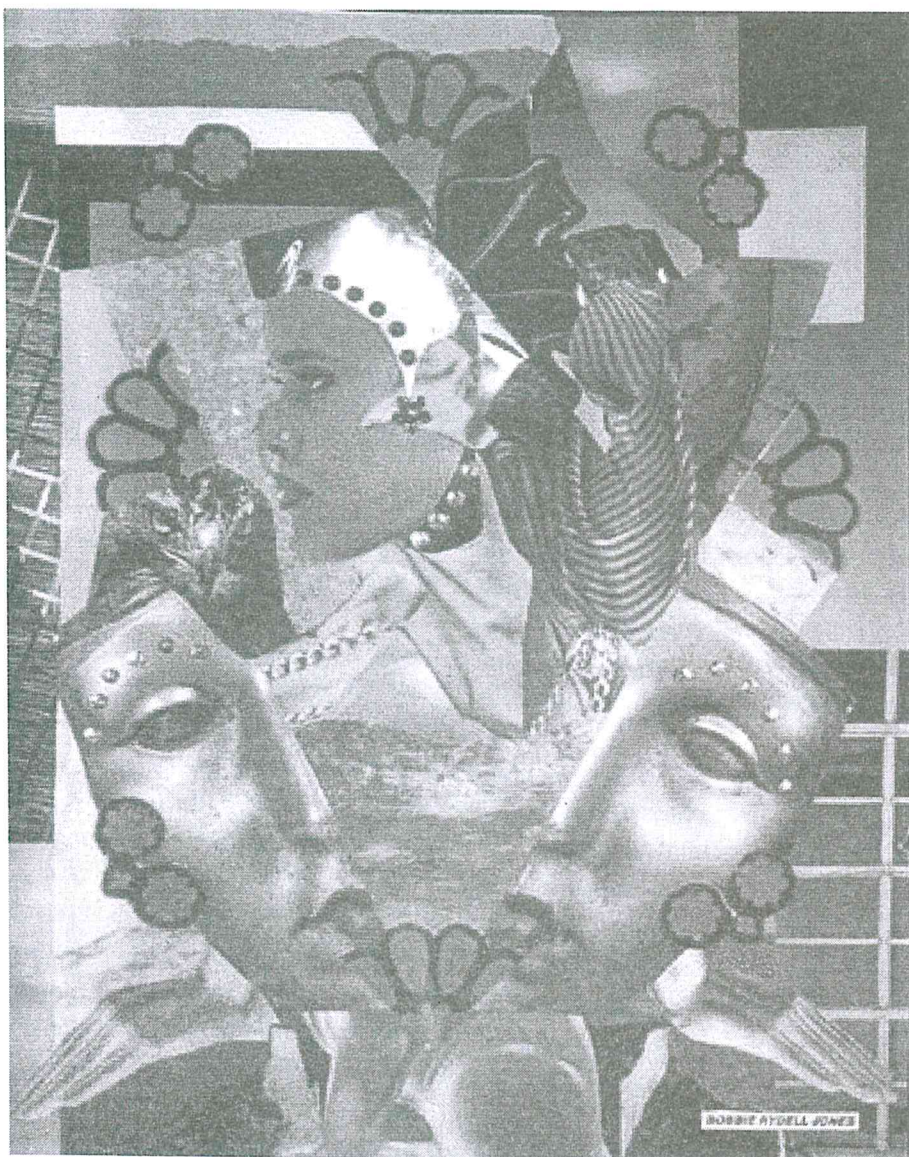
صد ها مورد از باند های فساد و مواد مخدر بود که دولت نمی خواست به آن توجه نماید . طور مثال : دلپان آذری که در متل قو حالا نیز زنده گی می کند ، هم فروشنده مواد مخدر است ، هم مشروبات الکلی شوهرش درست می کند و هم باند فساد و فحشا دارد و در آمل نیز تعداد زیادی از زنان اوپاش و مفسد آزادانه زنده گی می کردند ، اما جالب اینکه وقتی دستگیر می شوند برای دولت سندی درست می کنند که گویا ازدواج موقت دارند و این مرد که با ایشان دستگیر شده است ، چندی قبل پیش فلان ملا صیغه عقد موقت خوانده اند ؟!

بلی ! این مشکلات اخلاقی است که دامنگیر دولت است و آنچه زیادمورد علاقه دولت نیست مشکل ناموسی و اعتیاد و مردم از این ناحیه می ترسند و حتی حاضر نمی شوند که در منطقه شان دانشگاه ساخته شود

شرعی را در نظر بگیرد ، زیرا طفل در داخل شکم از بین رفته و داکتر هیچ چاره یی ندارد جز عمل جراحی .

در کشور ایران برعکس افغانستان اگر دانشگاهی در یکی از مناطق تهداب گذاری شود مردم مخالفت

دوکتور بحری در شهر آمل که یکی از دوستان بنده بود در طول دوره کار خود در بیمارستان خصوصی هزاران عمل جراحی کورتاژ و عمل جراحی دخترانی که اشتباهی کرده بودند و دیگر دختر نبودند انجام داده و برای اینکه در خانه



می کنند و به دانشگاه زایشگاه می گویند و ترس مردم از این است که دختران و پسران شان فاسد می شوند و وجود دانشگاه بخصوص آزاد یکی از مشکلات عمده اجتماعی است که دامنگیر مردم منطقه می شود و منطقه را به فساد و فحشا می کشاند .

این بدان معناست که در دانشگاه های ایران دختران از مناطق دور دست و ولایات دیگر جذب می شوند و از روستاها و ولایات دیگر برای تحصیل وارد منطقه می شوند و برای اولین بار دور از والدین خود آزاد و بدون نگرانی به تحصیل می پردازند . کنترل این دختران که هر کدام برای خود در منطقه اطاق کرایه می گیرند خیلی مشکل است و تعداد زیادی از آنها عاشق می شوند ، یا از دانشگاه و یا از منطقه برای خود جفت انتخاب می کنند و اکثرا جوانان منطقه و یا دانشگاه به قصد ازدواج با آنها نزدیک نمی شوند و بعد از مدتی از آنها جدا می شوند و بعد از مشکلات جدی دختر نمی تواند به پدر و مادر خود موضوع را بگوید و مجبور می شود خودش این مشکل را حل کند و هیچ راهی ندارد جز اینکه اشتباه بیشتر نماید و یا به هر طریقی برای حل مشکل بارداری و یا مشکل دختری به دوکتور مراجعه نماید و برای این کار

شوهر خجالت نشوند عمل جراحی انجام داده که با افتخار بتواند به خانه بخت برود .

در کنار این بیمارستان های خصوصی که برای دختران فریب خورده و بار دار عمل جراحی انجام می دهد ، مشکل سقط جنین با دوا های یونانی نیز حل می گردد .

در کنار دانشگاه آزاد ورامین زمانی دوا فروش یونانی بود که دختران مشکل دار و بار دار به نزد او می رفتند و ایشان زهره گاو را در رحم آنها می گذاشت و بدین صورت سقط جنین صورت می گرفت .

وقتی از ایشان پرسیدیم که این کار خطرات جدی را به دنبال ندارد ، ایشان گفتند که فقط فشار بسیار پایین می آید و اما خطر مرگ وجود ندارد ، مریض از فشار پایین رنج می برد و بالاخره خون ریزی صورت می گیرد .

البته این شبکه ها در سراسر ایران فعالیت می کنند و بدین طریق صاحب پول زیادی می گردد و اگر اشتباهی صورت گیرد مریض مجبور است به داکتر مراجعه نماید و عمل جراحی انجام می گیرد، در غیر آن باعث خطرات جدی مریض می گردد و شفاخانه در عمل انجام شده قرار می گیرد که مریض را نجات بدهد و یا احکام

دو حنجره از یک پنجره

شعر در زنجیره مقاومت

محمد شاه فرهود

نامدار پلچرخي به لحاظ کمی و کیفی، آسمان
مثلی و سادگی و بال شکن زندان را به پرواز
گاه جلیل تبدیل کرده بودند.



در میان شاعرانی که زنده گی را قطره قطره
اعدام می گشتند، در بلاک ششم پلچرخي در
پنجره ای، دو حنجره در یک پنجره جزایی
بودند.

دو حنجره، در همین شرایط است (وضعیت
جزایی) که یکی منظومه "از قاف تا قفس" را
میسراید و دیگری منظومه "زهره و عبدالله
" را. هر دو منظومه اسطوره نگاری است.

مبارزی در توضیح و نقد منظومه از قاف تا
قفس از دورن پنجره در زیر شرنک شرنک زنجیر
و های های شلاق داران خاد در ۱۳۶۵ شمسی
می نویسد:

در این مدت شش سالی که قفس گذرانده ام
همواره در دلم این هوس جا داشته است که
روزی ماجرای آرزو و امید و آرمان خود و
یاران خود را برای شما که آنان را نمی شناسید
و بنابراین با من و یا "مای" که من جزیی از
آنم بیگانه هستم، قصه کنم و آن چشمه زلال



به چشم خویش برق تیغ دیدن

صدای ناله مرغان شنیدن

منظومه یا سمبول های اسطوره ای گره می
خورد و یاد خاطرات مرغان را در منطق الطیر
عطار و سیمرغ کوه البرز فردوسی بیدار می
سازد

و جوشان نیرو را که شمع زنده گی ما را روشن
و زنده نگهداشته و ما را در ره پویی به سوی
مقصود و سبک ساختن شانه های خود از بار
تعلق و آرزوی زنده گی مرغانچه یی قوت می
بخشد، نشان دهم ... در این منظومه این

از قفس تا قاف را باید شنید، تندیس، خونین
عبدالله را برزانی عروس دلآوری بنام زهره باید
دید، با صدای دو حنجره از یک پنجره، باید
آشنا شد، و این آشنایی، پر وضعیت مخاطب
عادی و یا منتقد، ساختار شکن، در مقام
خواننده، صمیمی یا تاویلگر متن، در هر حالتی
این آشنایی، تقابل با شعر مقاومتی است که در
میانه دهه شصت، با خون دل و نوک زخمی
انگشتان، از دو حنجره پرخاشگر در یک پنجره
غوغاگر حک گردیده است.

یکی از اجزای متشکله شعر مقاومت افغانستان
در دوران اشغال شوروی، شعر پلچرخي است،
پنجره های سرد پلچرخي با تمام هیبت و
اخافه، خود در زیر نفس های گرم و صمیمی
شاعران عاصی به حصار نای و تبعید گاه یمگانی
تبدیل گشته بود. ادامه در صفحه دوم ...

شاعران فقط با شعر، این یگانه سلاح ممکن،
دست به مقاومت میزدند و اشعارشان مانند
شبنامه های شوروی شکن، اتاق به اتاق، پنجره
به پنجره، یلاک به یلاک ره می کشید.

گفته می توانم که مطالعه و نقد شعر پلچرخي
در حوزه شعر مقاومت دارای چند ویژه گی
درخشان است که شعر مقاومت بیرون از زندان را
از آن متمایز می سازد.

۱- در زندان پلچرخي قلم و کاغذ از طرف
مشاورین و خاد زندان ممنوع مطلق بود، و
مرتکبین آن به اشد مجازات محکوم می گردیدند
یعنی کوته قلفی (چندین روز در تشناب ماندن
) با لت و کوب ... داشتن یک توته کاغذ و یک تا
قلم در آن حوالی به تسخیر بالاحصار کابل یا به
شگافتن کوه قاف شباهت داشت. در چنین فضایی
است که اهمیت شعر در پلچرخي برجسته می
شود.

۲- شاعران پنجره نشین میدانستند که خاد و
آمریت سیاسی و قوماندانی محبس، همگی
پرچی های کم سواد و بیسواد هستند و اما (و
این اما را فقط زندانیان میدانند نه منتقدین
بیرون از زنجیر زندان) هستریسم و سادیسم
تجربه شده آنان باعث می گردید که شعر به
طرف سمبول و اسطوره و ابهام برود. و شاید به
همین دلیل است که شاعران زندانی، ایستاده
گی و عصیان خود را با استعارات مبهم و حلول
دان سمبول ها در اسطوره ها، به بیان میاورند
به این تعریف قدیمی شعر وفادار می ماندند که
"شعر ارایه، چیزی است با مراد و مقاصد غیر از
آن".

۳- شعر مقاومت بر مبنای اجبار، بالذات بسوی
شعار و برهنگی میلان دارد، مخاطبان مقطعی
شعر در جبهه گرم و رویاروی، سنگر اعتصاب و
مظاهره (اشکال جنگ ضد روسی در داخل
افغانستان) که همه این شکل های مبارزاتی
کارکرد عملی را در برمی گیرد، در چنین وضعیتی
متناسب به تقاضا به شعری ضرورت احساس
می شود که صاف و پوست کنده در باره دشمنان
(خاک و ناموس و آزادی) تهیج و روحیه ایجاد
کند.

روسها از ملک ما بیرون شوید

ورنه غرق رودبار خون شوید

۴- و اما شعر پلچرخي با بیان ویژه ای که نوعی
از اجرای زبانی است، بدور از برهنگی های
محتوم (میدانهای نبرد عملی و تبعید) برگزار
می گردد. نوعی از ساختار متن است که در متن
یک ساختار فکری - روانی شکل می گیرد. شعر
زندان شعر مقاومت است، چون زندان جای
مقاومت است و اگر پله مقاومت بلرزد پله انقیاد
سنگین می شود و شعر به چاپلوسی و تملق
تبدیل می گردد و ... دهه شصت شمسی، دهه
ایجاد شعر پرخاشگر در پلچرخي بود، شاعران
نشسته در انتظار اعدام و شاعران نشسته در
انتظار مرگ تدریجی، به شعر مقاومت رنگ و
ساختار ایثارگرانه ای می بخشیدند، شاعران

افغانستان در

چنگال تهاجم

فرهنگی

سید حمید الله موسویان

بحث پیرامون فرهنگ و نظریه پردازی در
این مورد از دیر زمانی به این سو ادامه داشته
که نظریات متفاوتی توسط دانشمندان
شرقی و غربی و سیر تکامل فرهنگ در برهه
های خاص زمانی مطرح گردیده است.

هرگاه پیشینه پیدایش فرهنگ امروزی
جهان را جستجو نمایم درخواهیم یافت
که با پیدایش انسان در کره خاکی همراه می
باشد، به همین لحاظ ابداع کننده خاصی از
خود ندارد

همانطور نظریات متفاوت و زیادی در مورد
تهاجم فرهنگی در عصرهای مختلف زمانی
توسط دانشمندان مختلف ارائه گردیده است
که درحقیقت هر یک از دانشمندان تحت
تاثیر شرایط خاص اجتماعی و فرهنگی
کشورهایشان نظریات خود را ارائه داشته
اند

برای اینکه زمینه ورود در تحلیل جامعه
شناختی تهاجم فرهنگی داشته باشیم لازم
است که تعریفی از فرهنگ بشکل کلی و عام
ارائه نمایم.

فرهنگ عبارت از مجموعه مایه هایی که
رفتار انسان را از سایر حیوانات مشخص و
تمایز می نماید.

معمولاً فرهنگ در بردارنده سه بخش اساسی
می باشد

- ۱- شناخت ها و باور ها
- ۲- ارزش ها و گرایش ها
- ۳- رفتار ها و کردار ها

اما این بخش ها و اجزای فرهنگی در جوامع
مختلف از همدیگر متمایز میباشند هرگاه
در سطح کلان در نظر گیریم در خواهیم یافت
که باورها ارزش ها و رفتار های انسان
شرقی کاملاً متفاوت از انسان غربی است
همانطور در سطح کشور های شرقی و یا
غربی تمایزات فرهنگی عمیق میانشان دیده
میشود. اما تهاجم فرهنگی چیست ؟ و
تهاجم چگونه صورت می گیرد؟
منظور از تهاجم فرهنگی آنست که جامعه
ای کوشش نماید فرهنگ خودش را بر جامعه
ای دیگر تحمیل نماید.

و یا به نحوی تاثیر و دگرگونی در ارزش ها
و باور ها و رفتار های جامعه مورد نظر
بمیان آورد.

گفته می شود تهاجم فرهنگی به دو شکل
صورت میگیرد، اول هجوم فرهنگی مطلوب
و دوم هجوم فرهنگی غیر مطلوب.

۱- هجوم فرهنگی مطلوب: منظور ازین نوع
هجوم فرهنگی آنست که جامعه ای
میخواهد تغییر در ارزش ها، شناخت ها و
رفتار های نادرست و غیر عاقلانه جامعه
دیگر ایجاد نماید و بجای آن شناخت ها،
ارزش ها و رفتار های عقلایی، مثبت و
سازنده ای را بخاطر رفاه و آسایش آن جامعه
عرضه نماید که جایگزینی فرهنگ اسلامی
عوض فرهنگ جاهلانه مردم عرب که تحول
خیلی مثبت و سازنده ای را در ارزشها و
دانش های اعراب بجا گذاشت، و مردم عرب
را از گودال بدبختی و سیاهی نجات داد.

نمونه ای بارزی از هجوم فرهنگی اسلامی
بالای فرهنگ جاهلانه عرب یاد آور شویم

ادامه دارد

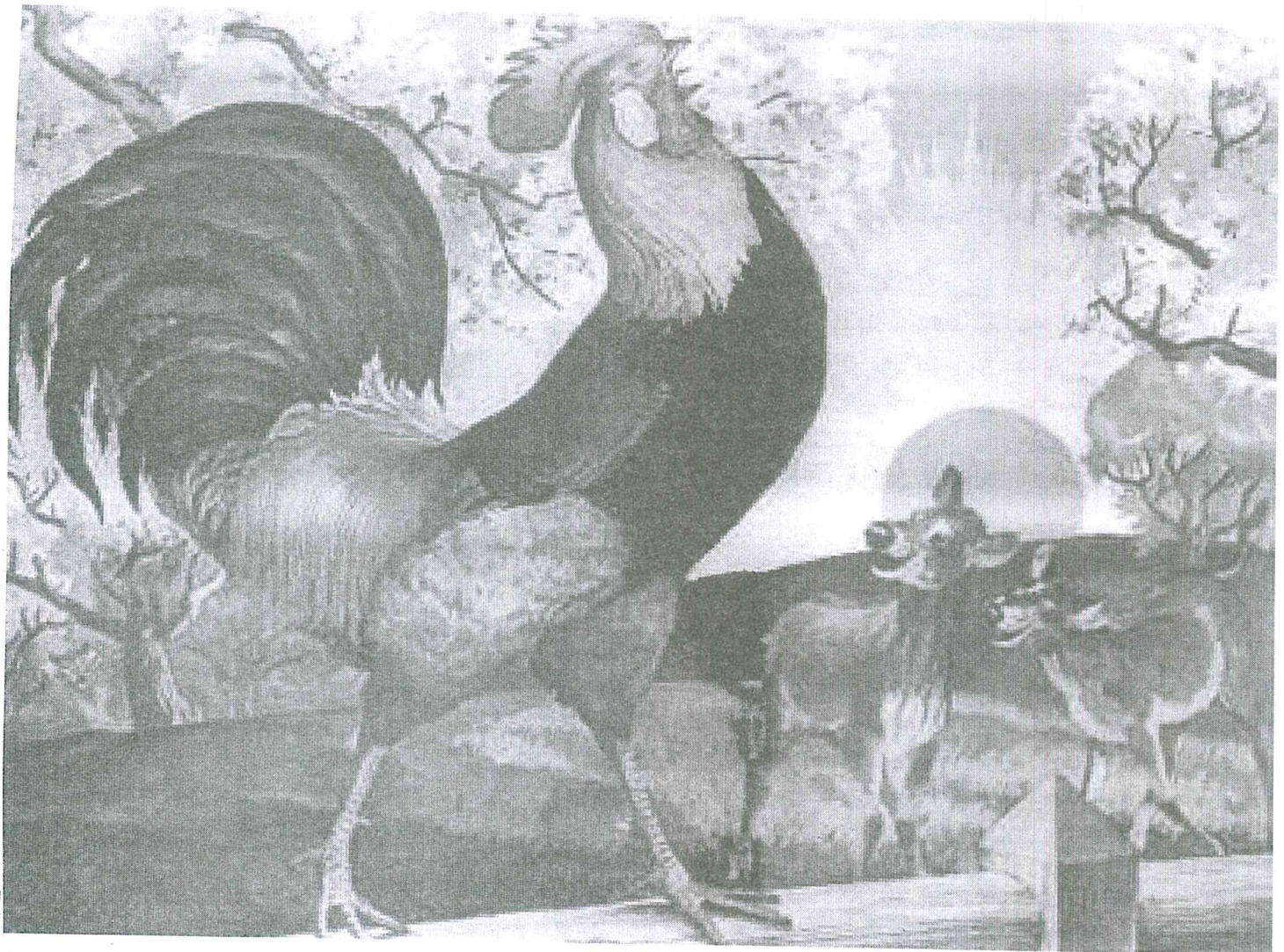
بانک بی وقت خروس کله صاحبشه می خورد

بررسی مثل های اسطوره یی و قبل از اسلام

پژوهش و تحقیق: سید داود یعقوبی

در پگاه مژده گذشت تاریکی و پایان شب را می دهد.

مردم را به عبادت و کشاورزی دعوت می کند آنها اعتقاد دارند که



مرغ سحر خوان یا خروس. در ادیان مختلف به دلیل آوردن مژده روشنایی صبح. مورد احترام واقع شده است زرتشتیان را اعتقاد بر آن است که موجودیت مرغ و سگ در منزل باعث فرار دیو و شیطان می شود. در دین اسلام خروس بخاطر سحر خیز بودن و وادار کردن مردم به سحر خیزی و انجام نماز اول وقت از احترام خاصی بر خوردار است. قبل از اختراع ساعت تنظیم وقت نماز صبح به عهده مرغ سحری بود مردم را متوجه نماز صبحگاهی می کرد تا بسوی مسجد بشتابند.

در خواست آنها را می پذیرد و به آنها را می گویند: (من به شما آوائی می دهم که بوسیله آن نور صبحگاهی را فر خوانید، تا مردمان بتوانند در پناه آن به کار خویش بپردازند.) خروس و توتو هنگامی که بازگشتند و نتیجه رسالت خود را به «آلانکنا» بازگفتند. وی خشمگین شده به آنها گفت: شما سزاوار مرگ هستید! من روشنی ابدی می خواستم!

لیکن چندی بعد، «آلانکنا» آندو را میبخشد. و چیزی نیم گذرد که توتو و خروس نخستین بانگ خود را سر میدهند. و بلافاصله بانخستین روز آفرینش طلوع در افق پدیدار می شود. در جای دیگری حضور جوجه خروس در مراسم نیاش مردگان آفریقایی دیده میشود. در تندیس چون بی نیایی نشسته بر پلنگ همراه با جوجه خروس این مطلب را می توان مشاهده کرد (اساطیر آفریقا ص ۹۶)

اما همین خروس مقدس بخاطر اشتباه زمانی مورد تنفر قرار میگردد. خروسی که پیام آور صبح است و نوید روشنی می دهد وقتی بی وقت و بی محل بانگ بر آورد باید کشته شود.

زیرا از او پیام آور روشنایست نه تاریکی او از فرمان سرپیچی کرده است و به جای روشنی اهورایی ظلمت یا دیو تاریکی را فرا خوانده است.

در این رابطه به افسانه اساطیری کیومرث بر می گردیم که در کتاب (نخستین انسان نخستین شهریار «کرستن سن» ذکر شده است. «کیومرث پیوسته از خدا می خواست که او را از قاتلان فرزندش آگاهی بخشد تا شبی در خواب پناه آنان بر او معلوم گشت بعد کیومرث قدرت را به یکی از فرزندان خود واگذار کرد و از اقامتگاه خود کوه دماند به سوی مشرق روانه شد. در راه ماری را دید که می خواست ماکسانی را بر باید وهر بار که حمله می کرد خروس او را می گریزاند. سرانجام کیومرث مار را کشت و مقداری دانه پیش روی خروس انداخت. خروس خروس مطبوع افتاد و چون از ماموریتش بازگشت به پسران فرمان داد تا از خروس مواظبت کنند اما بانگ ناپهنگام خروس باعث شد تا کیومرث بمیرد»

مرگ کیومرث اولین انسانی زرتشتی زمانی رخ داد که خروس بانگ ناپهنگام داد و به همین دلیل است که عواذ اعتقاد دارند که خروس بی محل باید کشته شود و یا از خروس بی وقت خوششان نمی آید.

در آریانا مثلی داریم که «خروس که اجلش می رسد بیوقت می خواند»

اقدام بيمورد و مبادرت بعملی که خلاف نظامات و قوانین دولتی یا عادات و رسوم ملی است، نتیجه اش بر باد دادن سر و جان است این مثل از رسومی گرفته شده است که هر وقت خروسی بیوقت (نیمه شب) بخواند، خواندنش را بقال بد گرفته سرش را می برند. در کشورهای افغانستان و تاجیکستان مثلی دارد که (بانگ بی وقت خروس سر صاحبش را می خورد) این دقیقا همان معنایی را می دهد که فرزندان کیومرث اعتقاد بر آن داشتند، یعنی بانگ بی وقت باعث مردن صاحب خروس شد، چنانچه بعد از بانگ خروس کیومرث جان سپرد.

خروس یا «کونو» قاصد و پیک «آلانکنا» خداست. آنها میگویند که در آغاز آفرینش همه جا تاریک و روشنی در دست «سا» خدای مرگ بود؛ بعد از زناشویی «آلانکنا» با دختر «سا» با آنکه جهان از نسل این دو پدید می آید. با این حال هنوز تاریکی محض در همه جا وجود داشت.

از این رو «آلانکنا» «توتو» پرنده سحری سرخ رنگ و خروس را به رسالت نزد «سا» برای رفع تاریکی و ظلمت و خلق روشنایی می فرستد.

آن دو چون نزد «سا» می رسند و رسالت خود را ابلاغ می کنند و ی

در اوستا نام خروس به شکل «پرودرش» به معنی پیش بیننده (خاطر دیدن روشنایی قبل از طلوع آفتاب. یعنی از پیش می داند که تاریکی رخت بر میندد) آمده است نام دیگر خروس «کهرکتاس» است و کلمه خروس از «خروش» گرفته شده است که در زبان اوستایی به شکل «خراوش» به معنی خروش آمده است.

جالب اینجاست که در دین زرتشت کشتن خروس حرام است و هیچ کس حق کشتن او را ندارد.

در اساطیر آفریقا خروس با بانگ پگاهی دیو ظلمت را رانده و

اصل تقدس و احترام خروس ریشه در فلسفه ظلمت و روشنایی دارد در اکثر ادیان جهان روشنایی مورد ستایش و تاریکی و ظلمت مورد تنفر واقع شده. چون خروس صبحگاهان را مژده میدهد و بانگ پگاهی خود جهانیان را به روشنی هدایت می کند مورد قبول واقع شده است. در اساطیر آریایی خروس مخصوص امشاسپند بهمن «وهومن» است، خروس سحر خیز از سوی سروش ایزد شب زنده دار گماشته شده که با مدادان بانگ زند. چون سحر خیز ی نزد مزدیستان بسیار ستوده شده است، بنابراین خروس

آیا برق تاثیری در انتخابات دارد؟

اقبال حسین

سالم...

بهر صورت بازسازی این همه خرابی هایی که میراث جنگ گذشته گان بود بدوش دولت افتاد و یک بار دیگر افغان ها تمام توان خود را بخرچ دادند تا خرابی هایی که دیگران کردند و هنوز هم بالای برق نیز نیاز مبرم این مردم بود و همه آرزوی آنرا داشتند که یک روزی صاحب برق شوند و اینک با میلیارد ها دالر خرج روی پروژه برق کابل و مسیر راه شمال صاحب برق شد و هر خانه پر نور گردید که این حرکت دولت را می توان بزرگترین حرکت به حساب آورد که بی شک در انتخابات تاثیر گذار خواهد بود و دولت عملا نشان داد که ما بسوی روشنی و نور به پیش می رویم و مردم نیز دانستند که گامهای عملی در قسمت سرک سازی، کشاورزی و استفاده از برق

یکی از حرکت های مهم در زنده گی مردم برق است که می تواند زنده گی تاریک مردم را روشن کند و فضای سیاه و مکدر خانه را نورانی سازد و در پرتو روشنایی برق خیلی از مشکلات اقتصادی، صنعتی، مردمی حل گردد. زمین رفتن زیر بنای اقتصادی کشور و جنگ های داخلی حکومت مجاهدین نه تنها در ساحه برق تاثیرات منفی داشت، بلکه در همه زمینه ها بخصوص مکان زنده گی و خانه های مردم و ... به مشاهده می رسید.

اما با آمدن حکومت انتخابی دست همه کسانی که در خرابی این سرزمین دخیل بود کوتاه شد، گرچه هنوز هم یکی از مشکلات دولت و چالش عمده سیاسی هنوز هم وجود افرادی است که در سه دهه مشکلات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی برای مردم پدید آوردند و هیچگونه درایت و برنامه مشخصی در قسمت حکومت داری نداشتند و نتوانستند از فضا ایجاد شده استفاده درست نمایند و به دستور بیگانگان حتی کپی ها و آهن داخل ساختمان ها را نیز از بین بردند و حتی استخوان پدران ما را نیز به پاکستان به فروش رسانیدند و ریشه درختان و قطعات آهن تانک های



باشیم و در آمد صادرات به کشور همسایه مساوی شود به مصرف برق کشور ما ...

گرچه باید از منابع آبی و ذخایر طبیعی کشور نیز استفاده شود تا باشد که فردا ما صادر کننده برق در منطقه باشیم.

برداشته شده و ما بعد از این از مسیر افغانستان می توانیم برای کشورهای همسایه برق دهیم و میلیون ها دالر نیز از این طریق بدست بیاوریم و حتی برق ما مجانی شود که از مصرف واردات برق و صادرات آن به کشور همسایه هیچ مصرف برقی نداشته



رای به
کسی
دهید
که یک
چهره
داشته
باشد

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سید داود یعقوبی
تحت نظر: هیئت تحریر
صفحه آرایی: سید امید یعقوبی
آدرس: سینما بهارستان - سرک پنجم خانه پنجم دست راست
تلفن: ۰۴۸۶۴۷۰۹۶۸

پسرهای تامل

شکست

خوردند؟!

بعد از ۲۵ سال جنگ در سریلانکا بالاخره حکومت سریلانکا اعلان ختم جنگ در این کشور را اعلان کرد و گفت که رهبر ببرهای تامل کشته شده است

در جنگ های دو قوم در این کشور که ۲۵ سال است دوام دارد و دولت سریلانکا را ناتوان ساخته بود، حدود هفتاد هزار نفر کشته شدند و ویرانی اقتصادی زیادی به این کشور وارد کرد.

اینک دولت سریلانکا با اعلان ختم جنگ به جشن و پایکوبی پرداختند و وزیران خارجه اتحادیه اروپا اعلان کردند که در اثر حملات بی وقفه حکومت سریلانکا در حدود ۷ هزار نفر کشته و ۱۴ هزار نفر زخمی شدند و ۳۰۰ هزار نفر آواره شدند.

حکومت سریلانکا حتی از فرستادن کمک های لازم برای آواره گان مشکل ایجاد می کنند. اما آنچه مهم است ختم دوران جنگ در این کشور می باشد که دولت بعد از ۲۵ سال جنگ توانست بر تاملی ها پیروز شود و نگذارد قوم گرای باعث جدایی شمال و جنوب کشور شود.

فایق آمدن به همچو بحرانی که چند دهه تداوم داشت، کار مشکل و خسته کن بود، ولی آیا این پیروزی میتواند بلند مدت باشد و باز هم تاملی ها دوباره قیام نکنند و یا اینکه کشورهای حامی تاملی ها دوباره این قیام را راه نمی اندازند. این مشکلات فراروی دولت است، که شاید در آینده ارتش این کشور بتواند نظم را برقرار نماید و گام

های استواری در راه صلح بردارد و دیگر نگذارد ناراضی اوج گیرد و قوم گرایی در این کشور باعث بی ثباتی سیاسی شود. امروزه جهان غرب تبلیغات شدیدی از نقض

جنايات جنگی معرفی گردد. بلی حالا در دو قسمت از کشور سریلانکا خوشی و غم است، یکی بخاطر پیروزی جشن می گیرد و دیگری در غم از دست



حقوق بشر و کشتار جمعی در این کشور نموده اند و گفته اند که در این جنگ افراد ملکی و بی گناه زیادی کشته شده اند و کسانی که متهم به کشتار جمعی شده اند باید به دادگاه

دادن اقوام و خانواده های خود است و تعدادی نیز که خسته از جنگ اند امیدوار به صلح دایمی و خوشبختی نسبی اند که بعد از این نصیب آنان می شود.

کمیته سویدن برگزار شده است ایراد نمودند.

ایشان گفتند که اخیرا در شهر جلال آباد مشکل شست و قیچی نیز حل گردیده است و دستگاه های مجهزی نصب گردیده است که می تواند مشکلات اولیه قالین باغان را حل سازد.

با حل این مشکل افغانستان می تواند درآمد خوبی از بابت صادرات قالین در کشورهای اروپایی و آمریکایی نصیب ما کند و قالین که بیشترین مشغولیت صنعت کاران این کشور است می تواند بعد از این مستقیم صادر گردد و دیگر وجود واسطه ها و کشورهای همسایه نمی تواند در شهرت قالین و درآمد خالص آن تاثیر گذار باشد و این درآمد می تواند نرخ بافنده گان را چند برابر سازد و دست مزد خوبی نصیب آنان گردد و در رقابت های کشورهای مختلف قالین باف نیز کشور ما جایگاه اول را بدست آورد و دیگر کشورهای همسایه توانایی گرفتن مقام اول را در جهان نخواهد داشت.

امیدواری هایی

در قسمت

صادرات قالین

مصطفی نیکزی

ساله است که قالین باف ها و تجار قالین تولیدات خود را از طریق پاکستان به کشورهای غربی می فرستند و قالین افغانی که مرغوب ترین قالین جهان است به نام پاکستان در جهان به فروش می رسد. اما در این اواخر امیدواری هایی به وجود آمده است که می تواند گره مشکلات این صنف را حل سازد و راه و صفحه جدیدی در تجارت افغانستان باز نماید.

صادرات قالین در کشور ما قبل از جنگ می توانست درآمد خوبی را به کشور ما باز گرداند ولی با استفاده از صنعت گران ما و قالین باغان این سرزمین در کشور پاکستان مفاد کمتری نصیب قالین باغان گردید و با وجود مشکلات صحنی و کار پرمشقت آنها منافع بیشتر به سرزمین پاکستان سرازیر می شد.

بهر صورت اینک اداره انکشاف صادرات نوید قراردادهایی را با کشورهای اروپایی و آمریکایی می دهد و ادعا می کند که با این قراردادها می توانیم خیلی از مشکلات این صنف را حل نماییم. این مطالب را اداره انکشاف صادرات در نمایشگاه شهر اسقلان که از طرف

بهار ، فصل تعادل و

ملايـمت

آریاییان قدیم نفرت شدید از سرمای زمستان داشتند ، سرماییه که مانع گله داری و دهقانی میشد ، سرماییه که قربانی می گرفت و برای جنگیدن با این فصل سال سازش کار مشکلی بود و انسان تکامل نیافته پناه گاه خوبی نداشت تا از آن فرار کند .

در عقاید پیشینیان دوزخ سرد بود و آتش پرستان و زردشتیان اعتقاد داشتند که دوزخ سردی در نصیب کسانی می شود که در دنیا گناه می کند .

اما تابستان گرم و نفرت آور نیز مورد تنفر انسان ها قرار دارد و تحمل گرمای آن برای آدمیان کار مشکلی است ، گرچه تکنولوژی جدید توانسته است تا اندازه یی کار انسان ها را راحت سازد اما محیط بیرونی را هیچ انسانی نمی تواند معتدل سازد .

بهرصورت گرما و سرما هر دو برای انسان نفرت آور است و انسان ها همیشه به دنبال فصل تعادل اند فصلی که نه گرم باشد و نه سرد ، فصلی که در آن افراط و تفریط نباشد ، فصلی که گرمای آفتاب بتواند تن او را نوازش دهد و سرمای دیروز را از وجودش بیرون سازد .

دین اسلام نیز از پیروان خود خواسته تا در زنده گی خود تعادل را حفظ نمایند و در همه زمینه ها راه میانه و راه متعادل را نگهدارند و از سردی و گرمی زیاد بپرهیزند .

به همین دلیل اکثرمشکلات جوامع بشری حل می شود زمانی که آنها تعادل را نگهدارند و راه افراط و تفریط را نپیمایند و اینک دواي درد ملت ما نیز همین است . تعادل در زنده گی و رفتار روزمره ...

تعادل در سیاست ... تعادل در اقتصاد و ...

اینک از طریق این نشریه از مردم و دولت داران می خواهیم تا در زنده گی روزمره و دولت داری راه تعادل و میانه روی را در پیش گیرند و از قدم زدن در مسیر زمستان و تابستان طاقت فرسا بپرهیزند تا باشد که در همه امور کامیاب و سرافراز بدرآیند .

آرزوداریم از بهار متعادل و دل نواز درس خوبی از طبیعت گرفته باشیم و همه سعی و تلاش خود را در جهت کسب دانش بکار بریم همه تنها بهار را دوست دارند بهاری که آفتابش تمام خستگی زمستان را بدر می کند و در پرتو نور درخشان و طلایی آن هر زنده جانی می تواند آرامش خویش را دریابد .

آینه روز

را در
پشت

دروازه های
خود تسلیم
شوید

آینه روز

آینه روز ناشر افکار سید جمال
الدین افغان است
فرم اشتراک

نام نام موسسه
شماره تماس
آدرس:
تعداد:
تماس: آگهی ها - اعلانات و اشتراک
۰۷۸۶۴۷۰۱۶۸

فرم اشتراک

مدت اشتراک نهاد خارجی

سه ماهه : ۲۰۰۰

شش ماهه : ۳۵۰۰

یک ساله : ۶۰۰۰

داخلی ...

سه ماهه : ۸۰۰

شش ماهه : ۱۵۰۰

یک ساله : ۲۳۰۰